

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره چهارم - تیر ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۰

برخی ویژگیهای سبکی شعر مسعود سعد سلمان

(ص ۲۶۹-۲۹۰)

داریوش قلعه‌قبادی،^۲ وحید مبارک^۳ (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: آبان ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: دی ۱۳۹۸

چکیده

مسعود سعد شاعر سپاهیگری، خوشباشی، حبس و اندوه است. در جنبهٔ زبانی شعر وی، نشانه‌های کهنگی زبان بسیار کم شده و شعرش به کاربرد صنایع ادبی و واژه‌های عربی زیاد، نزدیک شده‌است. در ویژگیهای ادبی، وی به نوآوری‌هایی در قالب (مستزاد و شهرآشوب)، صورخیال (انواع استعاره، اسناد مجازی) و توصیف و کاربست مشبه‌به‌های غیرحسی و تنوع در تصاویر و توصیفات دست زده است که نشان از کوشش او برای ایجاد سبک شخصی دارد. در جنبهٔ فکری، مسعود سعد به جهت ابداع گونهٔ حبسیه و تقویم خوشباشی، محتوای تازه‌ای برای قصیده بوجود آورد که مورد توجه و تقلید قرار گرفت اما وی، با داشتن احساس عاطفی عمیق، از دیگر شاعران تشخص پیدا کرده است. این موارد در تغییر جایگاه شاعر از یک شاعر مقلد صرف به شاعری صاحب سبک و مؤثر در تغییر سبک نیز نقش داشته‌اند. یافته‌های این جستار توصیفی-تحلیلی، نشان میدهد داشتن ویژگیهای خاص در بیان و انتخاب قالب، سبب ایجاد سبک شخصی او گردیده است و در تغییر سبک خراسانی به عراقی تاثیر گذاشته است.

کلمات کلیدی: مسعود سعد، سبک دوره، سبک شخصی، تحول سبک، قالب و بیان.

^۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

^۲ دکترای زبان و ادبیات فارسی (daryooshghobadi@gmail.com)

^۳ - عضو هیأت علمی دانشگاه رازی (vahid_mobarak@yahoo.com)

Some Stylistic Features of Masoud Sa'ad Salman's Poems

Dariush Ghaleh Ghobadi^۱, Vahid Mobarak^۲ (corresponding Author)

Abstract

Massoud Saad is a poet of military, happiness, imprisonment and sorrow. In the linguistic aspect of his poems, the signs of a deeply rooted language approach to the use of literary figures and many Arabic words are approached. In his features, he follows the inventions (Mustard, Ashwood), figurative language (Types of Metaphors, literal documents), and description of non-sensual simile organ, various pictures, they are signs of impersonal style. . On the intellectual side, Massoud Sa'abadah, the lecturer of love and the calendar of happiness, has created new content for the storyteller, imitating the illusion with deep emotion, he has been imitated by other poets. But he has deep emotions that made him personal , The afore mentioned items have changed him to the poet of style, he is affective in his style.. The findings of this descriptive-analytical query show that having specific characteristics in expressing and choosing a template has led to his personal style and he influenced the change of Khorasani style to Iraqi.

Keywords: Massoud Sa'ad, Career Style, Personal Style, Style Transformation, Template and Expression

^۱- PhD of Persian Language and literature (daryooshghobadi@gmail.com)

^۲- Assistant professor of Persian Language and literature, kermanshah Razi university (vahid_mobarak@yahoo.com)

۱. مقدمه

سبک خراسانی شعر فارسی (قرن سوم تا پایان قرن پنجم) شامل سه دوره طاهری - صفاری، سامانی و غزنوی است. دوره غزنوی نیز به دو دوره اول از سال ۳۶۷ هـ. ق. تا ۴۳۲ هـ. ق. و دوم از سال ۴۳۲ هـ. ق. تا ۵۸۲ هـ. ق. (در هند)، تقسیم میشود. (سبک شعر رودکی، خسروی: ص ۶۸) همزمان با دوره اول سلجوقی سه دبستان شعری خراسانی، آذربایجان (آزانی) و سلجوقی (بینابین) در ایران دایر بود. «دو مکتب خراسانی و آذربایجانی در اواخر قرن ششم به کلی تعطیل شد [و فقط] مکتب شعری عهد سلجوقی یا بینابین که از همه مهمتر بود [باقی ماند] که بعداً منجر به سبک عراقی شد. از نمایندگان معروف آن مسعود سعدسلمان را میتوان نام برد.» (زندانی نای، شمیسا: ص ۵۰)

پدر مسعود - سعد سلمان - از رجال و مستوفیان برجسته روزگار سلطان مسعود غزنوی بوده... مدت شصت سال سلاطین غزنوی را خدمت کرده است. (سخن و سخنوران، فروزانفر: ص ۲۰۷ و دیوان مسعود سعد، نوریان: ص ۶) سعد در سال ۴۲۷ هـ. ق. به عنوان مستوفی امیر مجدود بن مسعود به همراه وی به هندوستان رفت (رک: بیهقی، فیاض: ص ۶۵۴) گویا «از همین تاریخ به بعد است که سعد سلمان همراه خاندان خود در لاهور بماند و مسعود بعد از این روزگار میان سالهای (۴۳۸ و ۴۴۰) در آن شهر بزد.» (تاریخ ادبیات، صفا: ص ۲۵۲) «آشنایی مسعود با میراث کهن ادبی عرب و پارسی، ریشه در فرهنگ خانوادگی و تربیت ایرانی وی دارد از آنجا که پدر و به احتمال، اجدادش، سمت دبیری و استیفا داشته‌اند، تحصیلات وی این آشنایی را ایجاب میکرده است.» (بازتاب حماسه ملی در شعر مسعود سعد، محمدی افشار: ص ۱۵۹) و «با اینکه وی بخش عمده‌ای از زندگی خود را در هند گذرانید، تأثیر محیط هند و صبغه اقلیمی آن دیار در شعرش دیده نمیشود و از این نظر با گویندگان همعصر خویش تفاوت چندانی ندارد.» (صورخیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ص ۵۹۲) مسعود سعد به توصیه پدر به دربار سلطان ابراهیم (۴۹۲ - ۴۵۰) رفت و از امرای سیف الدوله محمود بن ابراهیم شد و پس از مدتی بخاطر مهاجرت و دور شدن از لاهور و سفر به خراسان و در نهایت مکر حاسدان و خشم سیف الدوله محمود به زندان افتاد. هفت سال در دهک و سو و سه سال در نای.

هفت سالم بکوفت سو و دهک پس از آنم سه سال قلعه نای^۱ (ص ۷۱۰) سرانجام مسعود به پایمردی ابوالقاسم خاص، از رجال دربار سلطان ابراهیم، پس از ده سال از زندان خلاص شد و بعد از مدتی حکومت چالندر به وی سپرده شد اما پس از چندی به مدت هشت سال به زندان مرنج افتاد. (زندانی نای، شمیسا: ص ۱۳۸ - ۱۲۳) «روی هم

^۱ - کلیه ابیات و کلمات که با ذکر صفحه در متن آمده، از دیوان مسعود سعد تصحیح نوریان است.

حدود ۱۸ سال زندانی بوده‌است. اما من باب تأکید و مبالغه طرف بیشتر را گرفته و نوزده سال گفته‌اند.» (همان، ص ۱۳۸) که در این مدت وی، حال زار و رقت‌بار خود را در دخمه‌های هراس‌انگیزی بنام زندان بخوبی نشان می‌دهد. درباره ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد: ج ۱ / ص ۳۰۷)

۱. پرسش پژوهش

شعر مسعود سعد دارای چه ویژگی‌های است و آیا در تغییر سبک خراسانی به عراقی مؤثر بوده است؟

۲. روش کار

روش کار توصیفی - تحلیلی است.

۳. ضرورت تحقیق

وجود نوآوری‌های ادبی، عاطفی، تخیلی و ابداعات زبانی و فکری، شعر مسعود سعد را متمایز از دیگر شاعران ساخته است و همین نکته بسنده است که اهمیت این پژوهش را نشان دهد.

۴. پیشینه تحقیق

درباره مسعود سعد سلمان و تصحیح دیوان وی، کوشش‌های رشید یاسمی (۱۳۶۳)، مهدی نوریان (۱۳۶۴)؛ حسین لسان (۱۳۶۸)، رضا اشرف زاده (۱۳۷۴)؛ توفیق سبحانی (۱۳۷۷)؛ سیروس شمیسا (۱۳۸۸)، فاطمه مدرسی (۱۳۷۶) و وحید مبارک (۱۳۸۴) قابل تحسین و قدردانی است. و نیز کاردگر (۱۳۸۴)، کاوشنامه زبان و ادبیات فارسی) در مقاله‌ای به بازتاب شعر مسعود سعد در آثار سعدی پرداخته است. محمدی افشار (مطالعات ایرانی، ۱۳۸۹) بازتاب حماسه ملی در شعر مسعود سعد را نشان داده است. کاردل ایلواری در مقاله‌ای (بهار ادب، زمستان ۱۳۹۱)، چند حبسیه از خاقانی و مسعود سعد را با یکدیگر سنجیده است. شعبانی و باباصفری (بهار ۱۳۹۰) اشعار مدحی مسعود سعد را بررسی کرده‌اند. اما پژوهش مستقلی درباره سبک مسعود سعد دیده نشد.

۲. بحث

۱-۲. مختصات زبانی شعر مسعود سعد

۱-۱-۲. موسیقی بیرونی: «در زبان فارسی وزن شعر را موسیقی بیرونی می‌گویند.» (شفیعی کدکنی، صور خیال در شعر فارسی: ص ۹۱) مسعود سعد از بحر مشهور و متداول استفاده کرده است. بیشترین بسامد اوزان به ترتیب با بحر مضارع، مجتث، خفیف، هزج، متقارب و رمل است.

۲-۱-۲. موسیقی کناری (ردیف و قافیه): مسعود سعد از آوردن ردیفهای اسمی دشوار، ابایی ندارد تا توان شاعریش را بنمایاند؛ هر چند که این ردیفها موجب محدود شدن محور افقی و تا اندازه‌ای محور عمودی شعر میشود (رک: شفيعی کدکنی، صور خیال: ص ۳۳۲-۳۳۱) و شاعر را مجبور به استفاده بیشتر از استعاره و تصاویر فشرده میکند؛ اما این کار مسعود را بسوی سبک شخصیش سوق میدهد:

به مرغزار غذا از درخت باس و عمل دو شاخ طرفه دمد برگ و بار از آتش و آب
(ص ۵۰)

ای عزم سفر کرده و بسته کمر فتح بگشاده چپ و راست فلک بر تو در فتح
(ص ۹۱)

در بررسی کلی قصاید اشعار مسعود سعد مشخص شد که ۲۶ درصد (بیش از یک چهارم) قصاید، دارای ردیف هستند یعنی از ۳۱۳ قصیده ۸۲ قصیده مردف است. از این تعداد ۵۸ مورد ردیف فعلی اسنادی و ۵ مورد ردیفهای فعلی غیر اسنادی هستند. در کل ردیفهای فعلی حدود ۷۰ درصد کل ردیفها را به خود اختصاص میدهد. سی (۳۰) درصد مابقی ردیفها را ضمایی مانند من، او، تو با ۹ مورد (۱۱ درصد) و ردیفهای اسمی ۶ مورد (نظیر فتح، ملک مسعود، تیغ، خسرو ملک، آتش و آب، قلم) و ردیفهایی چون گروه، ۴ مورد به خود اختصاص داده‌اند. در ترکیبات و ترجیعات از مجموع ۳۹ بند، ۲۸ بند مردف است در قطعات و در ۱۴۷ قطعه، ۴۷ قطعه مردف وجود دارد (حدود ۳۲ درصد) که ردیفهای فعلی، اسمی و حرفی در آنها دیده میشود. در بخش غزلها از حدود ۲۲ غزل ۹ مورد مردف است (حدود ۴۰ درصد) که چهار ردیف فعلی و مابقی ضمیر و اسم و حرف میباشند. از ۴۰۱ رباعی، ۲۰۶ رباعی مردف است که ۱۹ مورد آن ردیف اسمی است. این آمار نشانگر توجه شاعر به موسیقی کناری اشعار میباشد.

۲-۱-۳. مختصات آوایی: در بخش مربوط به تلفظ کلمات (الف اطلاق، انواع ابدال، اماله، واو معدوله...) جز مواردی انگشت شمار مثل: فروخته (ص ۸۲)، خبه (ص ۱۳۳)، سفندیار (ص ۱۳۳)، مسپر (ص ۲۴۲)، اندوه (ص ۲۶۱)، دیباه (ص ۵۳۶)، دوتاه (ص ۵۳۶)، یافت نشد. این نکته نشان میدهد که نشانه‌های کهنگی در زبان مسعود سعد بسیار کم‌رنگ شده و از این نظر به زبان شعر سبک عراقی نزدیک شده است. البته، وی لغتهایی به کار میبرد که معنایی تازه از آنها میگیرد مثل: هنجار، که تحت تأثیر اندیشه هندی وارد زبان فارسی شده‌است.

۲-۱-۴. مختصات دستوری:

کاربرد همی قبل یا بعد از فعل به جای می:

همی تا مرکز طبعی سکونست همی تا گنبد والی مدار است
(ص ۶۷)

کاربرد همیدون و صیغه‌هایی منسوخ شده از بودن:
آری جوان و پیر همیدون چنین بوند کین راز خود پدید کند وان کند نهان
(ص ۳۶۵)

کاربرد الف دعا در سوم شخص مفرد فعل‌های مضارع:
این عطا دهادت دیدار خویشتن یکسر کناد عفو همه سیئات تو
(ص ۳۸۶)

چت مخفف چه برای تو:
همه ابرست هر چت رهنوردست همه نور است هر چت رهگذار است
(ص ۶۶)

استعمال اندر:
از سنان او همی باشد نهیب اندر نهیب زینهار از تیغ او خواهد به جمله زینهار
(ص ۱۵۴)

را در معنی حرف اضافه:
شکر ایزد را که هست به فرّ تو لباسی و ز دولت تو هست به حمدالله نانی
(ص ۴۱۲)

استعمال مر همراه مفعول:
مر مرا گفت ای عزیز رفیق همه با رنج و محنتی تو مگر
(ص ۱۹۲)

استعمال افعال و صیغه‌هایی که بعدها متروک شدند و نیز استعمال برخی لغات مهجور
مانند آغالد(ص ۴۶۶)، کالد(ص ۴۶۶)، برآهنجد(ص ۲۴)، بگرازد(ص ۲۸)، بادی(ص ۲۹)،
چدار(ص ۳۷)، یشک(ص ۱۰)، غلیواژ(ص ۱۲)، کب(ص ۱۳)
استفاده از دو حرف اضافه برای یک متمم:

به معرکه اندر با دشمنان چو بحر بجوش به مجلس اندر بر دوستان چو ابر بار
(ص ۱۷۸)

جابجایی ضمیر متصل شخصی:
چیره شد بر جوانیم پیری قار شد شیر و شیر شد قارم
(ص ۲۷۹)

صیغه التزامی بجای اخباری:
زمین و کوه بپوشد ز خون تازه لباس سپهر و مهر ببندد ز گرد تیره نقاب
(ص ۵۲)

ترکیبات وصفی و اضافی و واژههای مرکب و ترکیبات نو:

نبودست چون امر و نهی تو هرگز زمانه نوردی و گیتی گذاری
(ص ۲۷۳)

و نیز ترکیباتی از قبیل عمرخوار(همان ص ۲۴۷)، سرت سبز(همان ص ۲۴۹)، نورمند(ص ۲۵۰)، کوردین(ص ۳۹۰)، باد رنگرز(ص ۴۰۷)، شیدا نماد(ص ۴۰۸)، شلوار بند(ص ۴۷)، کدخدایی(ص ۴۱۴) به مسعود اختصاص دارند.

۵-۱-۲. واژههای سانسکریت: در دیوان مسعود سعد به تعدادی واژه سانسکریت برمیخوریم که برخی از آنها اسامی خاص هستند نظیر: شولک(اسب جلد و تندرو)، برشکال(فصل باران)، فرغر(جوی آب)، رای(راجه، پادشاه)، چیپال(نام پادشاه لاهور)، تنبول(درختچه معطر)، گنگبار، هنجار(گشتن). (ر.ک: تار و پود پرنیان، مبارک: ص ۵۴).

استعمال لغات کهن و پهلوی و پارسی و جنبه‌های کهن‌گرایانه در شعر مسعود سعد کمرنگ شده و به همین خاطر، زبانش را، به زبان سبک عراقی نزدیکتر کرده است. ولی استعمال اینگونه لغات در شعر مسعود سعد، اندک و بسامد آنها پایین است. لغاتی چون: باد بزان، بتفسید، کردر، یشک، شخود، آژده وشی، بادافراه و پاداشن، کشفته، شکاوند، چخیده، ولیده، کفیده، نویده، شمیده، لبیده، غلیواژ، کب، عیبه، مرغولان، آغالده، کالده، روستم، قنیه را در برخی از قصاید دیوان وی میتوان یافت. در بخش ماهها و روزهای آن، اشاره به نامهای کهن و اصیل فارسی نظیر اورمزدروز، بهمن روز، سپندار مذ روز، دیبا روز، خور روز، ماه روز، تیر روز، رام روز، بهرام روز، زامیاد روز، ماراپسند روز، نیران روز، و... دیده می‌شود که نشانگر کهنگرایی است.

۶-۱-۲. لحن حماسی

لحن در ادبیات عبارت است از نگرش و احساس گوینده یا نویسنده، نسبت به محتوای پیام ادبی که با تکیه بر دیگر عناصر شعر از قبیل قالب شعر، معنی اصلی و ضمنی و صور خیال شکل میگیرد. در هر اثر ادبی یک یا چند لحن اصلی و تعدادی لحن جزئی و انعکاسی وجود دارد که از عوامل مهم ایجاد ارتباط بین شاعر و مخاطب است. (عمرانپور، عوامل ایجاد تغییر و تنوع و نقش لحن در شعر: ص ۱۰-۹) سخن حماسی به شکل موجز ادا میگردد و معمولاً از الفاظ خشن و کهن با تکیه‌های خاص، دارای مصوت‌های کوتاه و گاهی پاشیده و واگذاری (صفوی، درآمدی بر زبان‌شناسی: ص ۱۳۶) «مانند؛ س، ش، ز، ر، چ، ل) بهره میبرد که بیانگر قاطعیت، کوبندگی، حرکت و صراحت است.» (محمدی افشار، بازتاب حماسه ملی در شعر مسعود سعد: ص ۱۶۴) و ویژگی خاص مسعود همین دارا بودن روح و لحن حماسی سخن است. (ر.ک: شمیسا، سبک شناسی: ص ۲۷۰) مسعود بخاطر سپهسالاری و موقعیت

اجتماعی - نظامی و علاقه به شاهنامه فردوسی در بسیاری از اشعار مدحی خود این لحن را برگزیده است. واج آرایه حروف س و ش:

خونها فشان به تیغ که تشنه است نیک دشت
سرها فکن به گرز که بس گرسنه است غار
(ص ۱۳۳)

بخاستند یلان سپاه تو هر یک
چو طوس و نوذر و گرگین و بیژن و میلاد
(ص ۱۱۶)

۷-۲-۱. کاربرد واژگان عربی و اشعار عربی: در قصاید، ۱۹/۸ درصد، غزلیات ۱۰ درصد، قطعات ۱۰/۶ درصد و رباعیها ۱۵ درصد واژهها را کلمات عربی بخود اختصاص داده‌اند که کاربرد این لغات، بیشتر، در قصاید مدحی سلطان مسعود سوم و اواخر عمر مسعود سعد است و نیز ابیات ملمع و واژگان عربی چون عروه الوثقی، بکا، حصنی، رمح، ثعبان، کف الخضیب، عصفور و تبارک الله در دیوان، وجود دارد:

ولا زلت اسطو کلیث العرین
علی کل خصم الذّ الخصام
و لیل کان الشمس ضلّت ممرها
و لیس لها نحوالمشارق مرجع
(ص ۱۴)

۲-۲. مختصات ادبی

۲-۲-۱. قالبهای شعری دیوان مسعود سعد سلمان

دیوان مسعود ۱۵۰۱۶ بیت دارد. قالبهای شعر دیوان مسعود سعد همان قالبهای رایج در قرن ۵ و ۶ می‌باشد که البته مسعود در قالب مستزاد نوآوری‌هایی دارد.

۱-۲-۲-۱. قصیده، غزل و قطعه: قصیده مهمترین قالب شعری دیوان وی محسوب میشود در دیوان وی با احتساب بخش اضافات ۳۱۳ قصیده وجود دارد که او را شاعری قصیده پرداز معرفی میکند. قالب متداول دیگر در این دوره غزل است که در دیوان مسعود ۲۲ غزل آمده است. گاه غزل وی همان تغزل قصیده است. البته، با احتساب بخش اضافات ۱۴۴ قطعه در دیوان وی وجود دارد که ۳۵ قطعه در مدح، ۳۴ قطعه حسب حال و شکوه از زندان، هشت قطعه مرثیه، ۳ قطعه مطایبه و مابقی در موضوعات دیگر است که اغلب، وضعیت قصاید مدحی وی را دارند.

۳-۲. آرایه‌های ادبی

۱-۳-۲. بدیع معنوی

۱-۳-۲-۱. تلمیح: «استفاده از تلمیح به عنوان کارکردی که نشان از آگاهیهای دینی، اسطوره-ای شاعر دارد بیشتر در قصیده به کار می‌آید (شمیسا، سبک‌شناسی: ص ۲۴) و نمونه‌های فراوان در اشعار مسعود سعد دارد:

تو رستمی باره تند تو هست رخس
تو حیدری و تیغ تو جز ذوالفقار نیست
(ص ۸۲)

۲-۱-۳-۲. ارسال المثل:

ارسال المثل نشان از توجه شاعر به فرهنگ عامیانه دارد:

طعمه شیر کی شود راسو مسته چرخ کی شود عصفور
(ص ۲۳۳)

۲-۱-۳-۳. مراعات نظیر

به نوبهاران غواص گشت ابر هوا که می برآرد ناسفته لؤلؤ از دریا
(ص ۳۸)

۲-۱-۳-۴. تضاد

چو روز روشن نبود چهره از شب تار ز دود مهر ز آینه ی فلک زنگار
(ص ۲۴۲)

۲-۱-۳-۵. اغراق

در صفتت ملک را هزار دهان زاد هر دهنی را از آن هزار زبان است
(ص ۶۴)

۲-۱-۳-۶. ایهام تناسب

شخصی شده از خوردن اندوه چو مویی قدی شده از رنج کشیدن چو کمانی
(ص ۴۱۳)

۲-۱-۳-۷. حُسن تعلیل

به رنگ تیغ تو شد آبهای دریا سبز زبهر آن را دارند ماهیان جوشن
(ص ۳۲۳)

۲-۱-۳-۸. تنسیق الصفات

کامران و دیرزی و شاه بند و شهرگیر سیم بخش و زرده و دشمن کش و خنجرگذار
(ص ۱۵۴)

۲-۱-۳-۹. اسلوب حکیم

چون نای بینوایم از این نای بینوا شادی ندید هیچ کس از نای بینوا
(ص ۱۲)

۲-۱-۳-۱۰. استخدام

بد میندیش سر چو سرو برآر گر جهان بر سرت فرود آرد
(ص ۹۹)

۲-۲-۲. بدیع لفظی

۲-۲-۱. تکرار

برآورد بازم بر آن کوهسار که بگرفت چنگم ز خرچنگ چنگ
(ص ۲۶۱)

۲-۲-۳-۲. تصدیق

چو آب و آتش در هم جهند خوف و رجا
چو دود و ابر برآید سوار از آتش و آب
(ص ۵۰)

۲-۲-۳-۳. ترصیع

جلالت را فزون تر زین چه روز است
سعادت را روان تر زین چه کار است
(ص ۶۵)

۲-۲-۳-۴. موازنه

گاه با دلش گرفته در بر گردن
گاه گردش کشیده بر آغوش
(ص ۴۹۴)

۲-۲-۳-۵. انواع جناس

ای بت لبث مُلیست که آن را خمار نیست
وی مه رخت گُلیست که رُسته ز خار نیست
(ص ۸۲)

همیشه دشمن مال است شاه دشمن مال
یکیست او را در بزم و رزم دشمن و مال
(ص ۲۶۳)

۲-۲-۳-۶. واج آرایی

طبع هوا بگشت و دگرگونه شد جهان
حال زمین دگر گشت از گشت آسمان
(ص ۳۶۵)

۲-۲-۳-۷. ردّ العجز الی العجز

هزار بوسه همی خواستم من از وی گفت
بده هزار و لیکن مده فزون ز هزار
(ص ۱۷۸)

۲-۲-۳-۸. ردّ العجز الی الصدر

بوستان شد همچو روی بوستان
بوستان با بوستان خوشتر کنون
باز روی بوستان چون بوستان
باز روی بوستان چون بوستان
(ص ۵۰۶)

۲-۲-۳-۹. تشابه الاطراف

کنار تو خالی نباشد ز بربط
ز بربط نباشد بلی زُهره خالی
(ص ۵۳۷)

۲-۲-۳-۱۰. اشتقاق

عیار وار دل من ربود دلبر من
بلی ربودن باشد همیشه کار عیار

۲-۲-۳-۱۱. لف و نشر

از حلم و علم او دو نشانه است روز و شب وز لطف و عنف او دو نمونه است نور و نار
(ص ۱۳۳)

۱۲-۲-۳. سؤال و جواب

به ناز گفت که از دیده بیش اشک مریز به مهر گفتم کز زلف بیش مشک مکن
(ص ۳۲۳)

غلبه صنایع ادبی در شعر مسعود، وی را از شاعران خراسان متمایز میکند.

۳-۲. تضمین و استقبال یا توجه مسعود سعد به شاعران گذشته و معاصرش

مسعود سعد تضمین و استقبالی از شهید بلخی، رودکی، فرخی، منوچهری و... داشته و بیش از هر شاعر دیگری به عنصری توجه کرده و به قول خاقانی بر طرز عنصری میرفته است چندین قصیده به وزن و قافیه قصیده معروف عنصری: چنین نماید شمشیر خسروان آثار/ چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار» سروده و در دو قصیده مصراع اول شعر او را تضمین کرده است. مسعود سعد چار مسمط سروده است و لذا طبیعی است که به منوچهری توجه داشته باشد:

این گفته مسعود بدان وزن و بیان است «خیزید و خز آرید که هنگام خزان است»

۴-۳-۲. بیان و تراحم تصاویر

شاعران نیمه دوم قرن پنجم برای کمرنگ کردن تقلید، به صنایع لفظی و معنوی روی آوردند و از همینجاست که انواع صنایع در شعر بابی وسیع را در ادب فارسی باز میکند. (شفیعی کدکنی، صورخیال در شعر فارسی: ص ۲۱۸-۲۱۷) شاعران در این دوره با گرایش به صنایع لفظی و بیان و بدیع معنوی، سعی در تزیین شعر خویش دارند و مسعود سعد نیز از این امر مستثنی نیست. آرایه‌های تکرار، موازنه، سجع، واج آرایی، تناسب، جناس، تصدیر و ترصیع پر کاربردترین صنایع لفظی در دیوان مسعود سعد هستند و بسامد بالای تکرار و موازنه و سجع در بخش قصاید چشمگیر است. در قصیده (مدح سلطان - مسعود بن ابراهیم) در هفده بیت موازنه وجود دارد که کم نظیر است.

فروغ دولتت تا بنده نورست شکوه هیبتت سوزنده نار است
بزن بیخی که آن را کفر شاخست ببر شاخی که آن را شرک بار است
(ص ۶۶-۶۵)

در بخش بدیع معنوی به نمونه‌های فراوان از انواع تشبیه، ارسال المثل، تناسب، انواع جناس، تضاد، تلمیح و ازدواج، ایهام، حُسن طلب، لف و نشر، اعداد، تنسیق الصفات و... بر میخوریم که سهم انواع تشبیه و تضاد تناسب و ارسال المثل بیش از سایر صنایع است. زرینکوب (از گذشته ادبی ایران: ص ۲۹۹) معتقد است که: «مسعود در ابداع ترکیبات و

تشبیهات و توصیفات تازه از قدرت و مهارت برخوردار است و به خود نیز از این لحاظ مینازد و غالباً در شعر خویش به برتری که بر اکثر معاصران دارد اشاره میکند.»

از نیمه، دوم قرن پنجم دو جریان از نظر صور خیال در بین شاعران وجود داشت. جریان اول دسته‌ای از شاعران بودند که به اسلوب متقدمان شعر میسرودند. دسته دیگر کوشیدند تا در اسلوب تصاویر شعری خود تجدید نظر کنند. (شفیعی کدکنی، صور خیال در شعر فارسی: ص ۵۷۹-۵۷۷). اشعار مسعود سعد دارای این دو ویژگی هستند و در اشعاری که «من» شاعر و لحظات خصوصی زندگی وی مطرح شده‌اند و حاصل تجربه‌های مستقیم وی بوده و بهره‌مند از حقیقت‌نمایی هستند حس و عاطفه‌ای قوی و تازگی سبک در آنها قابل تشخیص است (شفیعی کدکنی، صور خیال در شعر فارسی: ص ۵۸۲-۵۸۱)

در قصاید مسعود سعد، استفاده از تشبیه و استعاره به میزان قابل توجهی بهم نزدیک است دو سوم تشبیهات از نظر طرفین تشبیه حسی به حسی، کمتر از یک سوم تشبیه‌ها، عقلی به حسی و موارد معدودی تشبیه حسی به عقلی و چند مورد تشبیه عقلی به عقلی بکار رفته‌است. از مجموع استعاره‌ها (با احتساب اساندهای مجازی) هشتاد درصد استعاره مکنیه (تشخیص و اسناد مجازی) شانزده درصد استعاره مصرحه و مابقی استعاره‌های دیگر هستند.

این نتایج نشان از توجه خاص شاعر به استعاره و بخصوص از نوع مکنیه دارد که خود عاملی برای جاندار شدن و تراکم تصاویر است و گاه سبب پیچیدگی اشعار میگردد. شعر مسعود سعد، استعاره‌گراست تا تشبیه‌گرا. البته هنوز نقش تشبیه در تصاویر و شعر او نسبت به دوره‌های بعد همچنان زیاد است. نکته قابل توجه در تشبیهات مسعود توجه شاعر به تشبیهاتی است که پایه آن غیر حسی است که بسامد بالای تشبیهات عقلی این امر را تأیید میکند. گاه نیز دو طرف تشبیه عقلی هستند که البته نمونه‌های بسیار نادری از اینگونه تشبیهات را در شعرش میتوان یافت:

رای او جسم را چون جان رسم او چشم عقل را چو بصر
(۲۱۸)

تشبیه عقلی به حسی

نور و ظلمت بود به عفو و به خشم آب و آتش بود به مهر و به کین
(ص ۳۷۹)

تشبیه حسی به عقلی

زمین به خوبی چون روی دلبر گلرخ هوا به خوشی چون طبع مردم دانا
(ص ۳۸)

تشبیه تفضیل

در بزم و رزم نوری و ناری نه‌ای نه‌ای
سوزنده‌تر از آنی و فروزنده‌تر از این
(ص ۵۶)

تشبیه تمثیل

ماند بدانکه باشد بر کشتی روان
پندارد اوست ساکن و ساحل همی رود
(ص ۲۲۱)

۵-۳-۲. وجه شبه در دیوان مسعود سعد

تا پیش از نیمهٔ دوم قرن پنجم قریب به اتفاق وجه شبه‌ها امور حسی بود که با موضوعات طبیعت به تصویر کشیده میشد ولی با پایان یافتن دورهٔ وصف طبیعت، اجزای تشبیه و وجه شبه بسوی غیر حسی شدن گرایش پیدا کرد. این سیر تکاملی در شعر مسعود سعد نیز دیده میشود. عقلی بودن حداقل یک طرف تشبیه، باعث انتزاعی و غیر حسی شدن وجه شبه در تصویر میشود.

در دورهٔ وصف طبیعت، عنصر رنگ نقش اساسی در تشبیهات و وجه شبه‌ها داشت و باعث حسی شدن تصاویر میشد اما در شعر مسعود سعد بسامد رنگهای شاد و متنوع در تصاویر و وجه شبه‌های کم دیده میشود؛ در حسب حالها و حبسیات نیز که نشان دهندهٔ تغییر نگرش و سبک شاعر است این بسامد و تنوع رنگها بسیار کم شده جای خود را به رنگ تیره میدهد. با این توضیحات میتوان گفت دیوان مسعود سعد انفسیترین دیوان نیمهٔ دوم قرن پنجم است. بعد از مسعود درونگرایی و انفسی شدن رشد می‌یابد. استعاره درونگراتر است و گرایش مسعود سعد از تشبیه به سوی استعاره است. توجه خاص مسعود سعد به استعاره (چه از نوع استعارهٔ مکنیه و چه اسناد مجازی) باعث تنیدگی و تراکم تصاویر و انتزاعی شدن آنها شده است. هرگاه که تشبیه جای خود را به استعاره میدهد، شعر را به تراکم تصاویر و به تبع آن تراحم تصاویر هدایت میکند. اما یکی از معایب تراحم تصاویر در شعر، سکون و ایستایی است که حتی با وجود و حضور عناصر طبیعت در تصاویر این مشکل بر طرف نمیشود. این موضوع در شعر مسعود سعد نیز صادق است اما وی برای کمرنگ کردن این مشکل به تشخیص روی آورده و عناصر تصویر خود را از این رهگذر زنده کرده است. این خصوصیات را در حبسیات او بوضوح میتوان دید. علاوه بر آن، بریده شدن و قطع رابطهٔ اجباری شاعر از طبیعت بیرون و تجربه‌های مستقیم را، باید به علل دیگر ایستایی شعر او افزود:

آب امید شسست همی رنگ احتراز
دست قضا نداشت همی دست اعتبار
(ص ۱۳۵)

۴-۲. ویژگیهای فکری

هر شاعر یا نویسنده‌ای با آراء و عقاید خاصّ خود به طرح مطلب میپردازد و به همین جهت است که دو شاعر کاملاً نزدیک و حتی مأنوس با هم ساختار آثارشان، متفاوت جلوه مینماید. (مدرس‌زاده، جایگاه عمادفقیه کرمانی در سبک عراقی: ص ۱۶۱) در حبسیه‌های مسعود سعد، مجالی برای بروز تجربه‌های حسی و عاطفی او پیدا شده و در آنها تازگی خاصی وجود دارد... شرایط زندان باعث شده که در خلق تصاویرش به ذهن و محفوظات خود مراجعه کند و همین، باعث ذهنی و انتزاعی شدن و در جاهایی باعث تکرار در تصاویر شده است. قصاید مدحی شاعر از نظر فکری (چه تغزل و چه تنه اصلی) طبیعت‌گرا هستند. بیگمان انتخاب رنگها در عرصه هنری شاعر نمیتواند بی‌تأثیر باشد و انتخاب آگاهانه یا ناآگاهانه هر رنگ از سوی شاعر، بیانگر دیدگاه وی نسبت به هستی و پدیده‌های آن محسوب میشود. قاسم زاده، نیکوبخت، روانشناسی رنگ در اشعار سهراب سپهری: ص ۱۶۴-۱۴۵) توجه به رنگها که محور اصلی شعر مدح و وصف طبیعت است در شعر مسعود سعد آشکار است. مسعود سعد مداح و بهره‌مند از جاه و ثروت تنوع بیشتری در رنگها و شعرش بکار میبرد تا مسعود سعدی که اسیر بند و زنجیر است و ورد زبانش، شب و تاریکی است:

سپهر نیلگون کردی لباس نیلگون توزی زمین کهرباگون را شدی رخ قیرگون یکسان
(ص ۳۶۱)

تاجهاشان بود بر سر از عقیق و لاجورد قرطه‌هاشان بود در بر، از پرند و پرنیان
(ص ۳۸۱)

در وصف شب:

زشت چون ظلم و بیکرانه چو حرص تیره چون محنت و سیه چون حزن
(ص ۳۷۳)

چون از فراق دوست خبر دادم آن غراب رنگ غراب داشت زمانه سیاه ناب
(ص ۶۰)

۵-۲. هنرورزی و نوآوریهای شاعرانه:

نوآوریهای شاعرانه میبایست این خصوصیات را دارا باشند: ۱. موضوع تازه ۲. تکامل موضوعها و تصاویر گذشتگان ۳. آوردن تصویرها و تشبیهات و آرایشهای تازه ادبی ۴. آوردن ردیفهای نو ۵. ساختن لغت و ترکیب جدید ۶ دید تازه ۷. قالب نو» (فرشیدورد، درباره ادبیات و نقد ادبی، ج ۱: ص ۲۳۹) مسعود سعد در بیشتر موارد، ابتکاراتی داشته است. «علی‌العجاله باید مسعود سعد را مبتکر چند نوع ادبی دانست. یکی نوع ادبی حبسیه است. نخستین و بیشترین حبسیه‌ها در دیوان مسعود دیده میشود.» (شمیسا، زندانی نای: ص ۹۰) میتوان گفت که این اشعار، شاید «اولین جایی است که شاعر مقداری از استعداد و توان هنریش را

برای خود صرف میکند.» (مدرسزاده، از سیستان تا تهران: ص ۶۲) تجربه‌های تلخ و دردناک شاعر، عاطفه ملموسی در شعر او پدید آورده که مخاطب را با خود همراه میکند. حبسیه‌ها مهمترین عامل شهرت مسعود سعد است و چون با اصالت و صداقت، شخصیت وی در آنها متجلی شده، او را از دیگر شاعران متمایز کرده است. شخصیتی که با شخصیت تاریخی او تفاوتی عمده دارد و اگر بپذیریم که حقیقت جوهر هنر است حبسیه‌های مسعود سعد سرشار از حقیقت است و کمال اصالت را دارد زیرا نمودگار قریب بیست سال زندگی او در زنجیر زندان است. در عین حال «لطف طبع وی و توانایش در ادای معانی و احساسات و عواطفش بحدی است که در خواننده نفوذ کرده و او را دگرگون میکند و این قدرت تأثیر... بیگمان نتیجه هنر بیان شاعر است.» (یوسفی، چشمه روشن: ص ۹۹-۱۰۴) موضوع «حبسیه» با محوریت «من» شاعر نه ممدوح، مسعود سعد را از قافله شاعران معاصرش پیش می‌اندازد تا خود را از قیود تکرار شده قصاید مدحی و توصیفهای رنگارنگ طبیعت ظاهر و حسی برهاند و از آفاق به انفس و درون پا بگذارد. موضوعاتی که مسعود سعد در حبسیه‌ها به آنها پرداخته است عبارتند از:

۱-۵-۲. شب و سیاهی و نا بسامانیهای زندان و زندگی

مسعود سعد چاه‌سرای طبیعت نیست تجربه مستقیم او از طبیعت -نه وصفهای تکرار شده شاعران پیشین- بلکه مشاهده شب و ستارگان از روزنه تنگ زندان بوده است:

کف الخضیب دا شت فلک ورنه گفتمی به سوک مهر جامه فروزد به نیل
(ص ۲۷۲)

تعدادی از قصاید مدحی که مسعود سعد به اشخاص کشوری و لشگری برای بیان حال و طلب یاری میفرستاد با وصفی از شب و تاریکی همراه بوده است که گاه در همان ابیات آغازین به اوضاع خود اشاره میکند:

دوش گفتمی ز تیرگی، شب من زلف حور است و رای اهریمن
زشت چون ظلم و بیکرانه چو حرص تیره چون محنت و سیه چو حزن
(ص ۳۷۳)

آمدن کلماتی چون تیرگی، اهریمن، زشت، ظلم، حرص، محنت و حزن، علاوه بر اینکه حال و روز شاعر را بیان میکند، اعتراض خود را به ناروایی ستم و قدرت حاکم نیز، نشان میدهد:

در آن تنگ زندانم ای دوستان که هستم شب و روز چون چنبری
(ص ۴۰۰)

اشاره به نخوردن گوشت:

ور بود درجهم به گوشت چنانک کودک شیر خواره در پستان
(ص ۳۷۲)

تقاضای یاری همراه با التماس و بی‌وفایی دوستان دوران خوشی:

من بیفتاده‌ام مرا دریاب بار اندوه از تنم بـفـکن
(ص ۳۷۴)

زمن بنده بر دل تو یادی نیاری نپرسی، نگویی که روزی کجایی
(ص ۴۱۴)

قرض و طلبکاران و درخواست وام برای پرداخت بدهی:

از تقاضای قرض خواهانست همه انده و رنج و تیمارم
(ص ۲۷۸)

نالیدن از بیماری و آلودگی محیط زندان و عدم رعایت بهداشت و آرزوی گرمابه رفتن:
امروز سه سال شد که مویم ماننده موی کافرانست
(ص ۴۸۰)

سردی زمستان و بی‌لباسی و نالیدن از دست زندانبان سنگدل و بیدار ماندن در شب‌های
دراز زندان:

گر مرا جامه زمستانی آفتابست قانعم آری
(ص ۴۰۲)

تا دوزخی نبود درمانده نگردد در دست چنین دوزخی زندان بانی؟
(ص ۴۰۷)

نخفته‌ام همه شب دوش بوده ام نالان خیال دوست گوی من است و نجم پرن
(ص ۳۲۲)

شکایت از روزگار سفله پرور و دشمن علم و دانایی:

مسعود سعد! دشمن فضلاست روزگار این روزگار شیفته را فضل کم نمای
(ص ۴۰۵)

اشاره به بی‌اعتباری دنیا و اشاره به قضا و قدر و بدگفتن از شعر:

ای تن جزع مکن که مجازی است این جهان وی دل غمین مشو که سنجیست این سرای
(ص ۴۰۵)

من در این ره نهاده تن به قضا وز توکل سپرده دل به قدر
(ص ۱۹۳)

توبه کردم ز شعر از آنکه ز شعر بدم آید همی به هر دو سرای
(ص ۴۲۱)

مسعود سعد با وارد کردن این اندیشه‌ها و مضامین، حرکتی در سرودن قصیده و حبسیه
در شعر بوجود آورد و از نظر مضمون برجستگی خاصی به شعر خود بخشید زیرا «زندان

نامه‌های ناب، مضامین ساختگی و مطالب فرمایشی و صحنه‌های دروغین و تملق آمیز چون ستایش امیر و وزیر و وصف باغ و بوستان... نیست بلکه صحبت از تجربه‌های شخصی و مناظر راستین و واقعی اما تلخ زندگی است.» (ظفری، حبسیه سرایی در ادب فارسی: ص ۲۶۱)

۲-۵-۲. شهر آشوب

از دیگر ابتکارات و نوآوریهای مسعود سعد شهر آشوب است «شهر آشوب شعری است که در هجو یک شهر و نکوهش مردم آن باشد.» (شمیسا، انواع ادبی: ص ۲۳۱) این قالب را شهر انگیز و حتی عالم آشوب نیز خوانده‌اند اما قدیمیترین نام برای این قالب همان شهر آشوب است. «شهر آشوب دو نوع است یکی در [وصف] یا هجو شهری و نکوهش مردم آن و دیگری اشعاری که در باب اصناف و صاحبان حرف باشد.» (شمیسا، زندانی نای: ص ۹۱) «و مسعود سعد یکی از بنیانگذاران این شیوه است که در شهر آشوب خود با تعبیر دلبر از همه شاعران پیشین شهر مانند دلبر قصاب، دلبر نانا، دلبر شیشه‌گر یاد کرده است.» (مدرسزاده، از سیستان تا تهران: ص ۶۳) و شاید بتوان گفت که برای اولین بار است که در شعر فارسی اشاره به صنوف و مشاغل مختلف با این گستردگی در دیوان شاعری آمده باشد. هر چند، «گروهی معتقدند که این عنوانهای موزون را بعدها به شهر آشوب وی افزوده‌اند چرا که زمان فعل برخی از آنها ماضی است.» (محجوب، سبک خراسانی در شعر فارسی: ص ۶۸۳) بهر روی شهر آشوب مسعود سعد، دارای ارزش جامعه شناسی و تاریخی نیز هست که نگاه کنجکاو شاعر به جامعه را اثبات میکند. «در حق دلبر شاعر میگوید:

شاعرا تو مدار روی گردان شاعران روی را گران نکنند
نکنی آنچه گویی و نه شگفت کانچه گویند شاعران نکنند

البته این اشعار مسعود جنبه مطایبه و طنز دارند. منتهی طنزهای او در حبس طنزی از سر درد است.» (شمیسا، زندانی نای: ۹۲-۹۱)

از دیگر هنرورزیها و نوآوریهای وی قالب مستزاد است. «قدیمیترین نمونه مستزاد هم در دیوان مسعود است.» (همان، ص ۹۲) که بیسابقه است و ابتکاری در قالب شعر محسوب میشود. «پیش از عصر سلجوقی در دیوان هیچیک از شاعران نشانی از مستزاد یا شعری که بتوان مستزاد را صورت تکامل یافته آن پنداشت وجود ندارد. شعر تمام شاعران در یک قصیده یا مسمط یا ترجیع، بر یک وزن است و شاعری به فکر نیفتاده بود که شعری با مصراعهای کوچک و بزرگ و کوتاه و بلند بسراید.» (محجوب، سبک خراسانی در شعر فارسی: ص ۶۰۸) مستزادی که در دیوان مسعود سعد آمده از نظر قالب یک نوآوری است:

ای کامکار سلطان انصاف تو به کیهان گشته عیان
مسعود شهریاری خورشید نامداری اندر جهان

ای روح چرخ جای گیتی ز روی رایت
چون بوستان
(ص ۵۶۱)

« این مستزاد با مستزادهایی که بعدها سروده شده فرقهایی دارد. اولاً مصراعها، بدون مصراع مستزاد، معنی کاملی ندارد یعنی مستقل نیستند و ثانیاً مصراعها با هم قافیه ندارند. » (شمیسا، زندانی نای: ص ۹۳) از دیگر نوآوریها و هنرورزیهای مسعود سعد ماهها و روزهای ایران باستان است. در بخشی از دیوان مسعود سعد بعنوان گاه شماری فارسی، قطعاتی آمده که عناوین آنها ماههای سال، روزهای فُرس و روزهای هفته است؛ که در چند بیت آخرشان به مدح ممدوح ختم میشود این قطعات در حقیقت قصاید مدحی مینیاتوری اواخر عمر شاعر هستند که در چهارچوب نوآوریهای شاعرانه میگنجند و «میتواند در حکم آخرین تلاشها برای حفظ میراث فرهنگی ایران پیش از اسلام باشد.» (مدرسزاده، از سیستم تا تهران: ص ۶۳) که از ویژگیهای آن میتوان به سهولت و روانی و نبود لغات فراوان عربی، اشاره کرد:

شهریور است و گیتی از عدل شهریاری
شادست و خیز و مایه شادی بر من آر
(ص ۵۴۲)

امروز اورمزد است ای یار میگسار
برخیز و تازگی کن و آن جام باده آر
(ص ۵۴۴)

چهارشنبه بتا نوبت عطارد است
نشاط باید کرد و نبید باید خواست
(ص ۵۵۲)

لُغز و «چیستان سازی که مورد علاقه اوست هم در اشعار دوره رهایی و هم دوره زندان [مسعود] دیده میشود. لغز آینه مربوط به دوره قبل از زندان است اما شعر زیر را در لغز آتش در زندان ساخته است:

ای به قدر از برادران برتر
مر تو را شد برادر تو پدر
مادر تو چو مادر پدرست
پس تو را جده باشد و مادر
زان تو معبود گشته ای آن را
که زنش دختر است یا خواهر
چون بزایی هم اندر آن ساعت
به سوی چرخ بر فرازی سر...
(زندانی نای، شمیسا، ۸۳)

۳-۵-۲. اختیار و اجبار

در اشعار مدحی شاعر که با حسب حال همراه نیستند، بطور عموم سخن از اختیار است نه اجبار و تقدیر. حال آنکه در حسبیات شاعر، این قضا و قدر است که بر اختیار مسلط میشود و این میتواند بیانگر حالت دفاع روحی شاعر یا مکانیسم دفاعی وی باشد تا ناملایمات حبس را تحمل کند:

با من فلک از خشم همی دندان زد هر زخم که زد چو پتک بر سندان زد
تیری ز قضا راست مرا بر جان زد دشوار آمد مرا که سخت آسان زد
(ص ۵۸۲)

۴-۵-۲. بازتاب علوم در شعر مسعود سعد

بازتاب علوم در بخشی از قصاید نیمه دوم زندگانی شاعر که بیشتر شرح حبس و حسب حال هستند، دیده میشود. در دیوان وی بخصوص در مورد نجوم که آن را از بهرامی نامی در زندان آموخته بود و نیز علوم دیگر از جمله فلسفه و حکمت و طبیعیات و موسیقی مواردی میتوان یافت:

مگر که پروین بر آسمان سپاه تو شد که هیچ آن را ز هم نکرد جدا
(ص ۳۹)
همیشه جوزا در آسمان کمر بسته است از آنکه خدمت تو را میکند جوزا
(ص ۳۹)

۱-۴-۵-۲. فلسفه و حکمت و علوم طبیعی

به گاه بودن خاک به گاه جستن باد سوی نشیب چو آب و سوی فراز آذر
(ص ۲۱۰)
همیشه تا به جهان خالی و تهی نبود جواهر از اعراض و عناصر از الوان
(ص ۳۰۷)

۶-۲. علوم ادبی

۱-۶-۲. عروض

مفاعیلن فعلا تن مفاعیلن فع ز وزن مجتث باشد به وزن کمتر
(ص ۳۱۳)
همیشه تا نبود چون سریع، بحر رجز همیشه تا نبود چون خفیف، بحر رمل
(ص ۲۶۶)

۲-۶-۲. اشاره به عربی دانی و آشنایی با علم صرف

ترا به تازی از بهر آن ثنا کنم که هست یک یک از آن نوع ناقص و معتل
(ص ۲۷۱)

۳-۶-۲. موسیقی

چو باده بودی بر دست من برآوردی نوای بار بد و گنج گاو و سبیز بهار
(ص ۱۸۷)

۴-۶-۲. اشاره به علوم دینی (قرآن حدیث و دیگر ادیان و قصص)

خلیل آتش کوبی و کلیم آب نورد چه باک داری ز کارزار از آتش و آب
(ص ۵۱)

۷-۲. تفاخرهای مسعود سعد

موضوع دیگری که مسعودسعد نیز چون دیگر شاعران، به آن پرداخته تفاخر به خود و شعرش است. گاهی هم، به شعر و شاعران دیگر نیز طعنه زده و به دیده حقارت نگریسته است:

من آن کسم که گه نظم هیچ گوینده به لفظ و معنی چون من ندارد استقلال
(ص ۲۶۴)

هر آن قصیده که گفتیش راشدی یکماه جواب گفتم زان بر بدیهه هم بزبان
(ص ۳۰۵)

نتیجه

شعر مسعودسعد بسیار کم از کهنگی، مختصات زبانی و نشانه‌های سبک خراسانی برخوردار است. وی به زبان سبک عراقی نزدیک شده است. در شعر او، استعمال لغات عربی و تأثر از شعر و فرهنگ آن نسبت به دوره قبل بیشتر شده است. به مقتضای قصیده و مدح، از لحن حماسی و الفاظ سنگین و پرطنطنه استفاده کرده؛ اما زبانش در حبسیات و غزلیات غیر حماسی و به زبان اشعار سبک عراقی شبیه است. در نیمی از دیوان وی سخن از حبس و بند و زنجیر و درد و... وجود دارد و چون با عاطفه و درونگرایی شاعر همراه است دیوان وی را انفسی کرده است و شعر مسعود را از نظر فکری به مختصات فکری سبک عراقی نزدیک کرده است. بطور کلی مختصات فکری قصاید مدحی مسعودسعد را عقلگرایی، اغراق، تفاخر و... تشکیل میدهد که خصوصیتی از سبک خراسانیست، در حالیکه مختصات حبسیات و حسب حالهای او را، غمگرایی، درونگرایی، اعتقاد به جبر و لحن عاطفی کلام میسازند که شعر وی را از نظر فکر به سبک دوره بعد نزدیکتر می‌کند. استفاده از اطلاعات و اصطلاحات علوم مختلف در شعر مسعود به وفور یافت میشود.

مسعودسعد طبق یکی از سنتهای عصر خود به تلفیق تصاویر گذشتگان و فشرده کردن آنها پرداخته که گاه به تزامم تصویر، منجر شده، اما این افراط در حبسیات وی که در آن سخن از «من» خویش بمیان می‌آید به تعادل رسیده است. مسعودسعد در سرودن حبسیه-هایش، غلبه عاطفه بر کلام را ایجاد کرده و با آرایش‌های ادبی سخنانش و با ابتکاراتش در قالب‌ها، کوشیده است سبکی شخصی را بیان نهد که پس از او مورد توجه شاعران دوره عراقی قرار گرفت.

منابع و مأخذ

- ۱- از سیستان تا تهران (سبک شناسی شعر فارسی)، مدرسزاده، عبدالرضا، (۱۳۹۲)، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان.
- ۲- از گذشته ادبی ایران، زرینکوب، عبدالحسین، (۱۳۷۵)، تهران: انتشارات الهدی.
- ۳- انواع ادبی، شمیسا، سیروس، (۱۳۸۹)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میترا.
- ۴- بازتاب حماسه ملی در شعر مسعود سعد، محمدی افشار، هوشنگ، (۱۳۸۹)، مجله مطالعات ایرانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال نهم، شماره ۱۷.
- ۵- تاریخ ادبیات (خلاصه جلد اول و دوم)، صفا، ذبیح اله، (۱۳۸۲)، چاپ بیست و یکم، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۶- تاریخ بیهقی، بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین، (۱۳۷۱)، به تصحیح علی اکبر فیاض، چاپ سوم، تهران: علمی.
- ۷- جایگاه عمادفقیه کرمانی در سبک عراقی، مدرسزاده، عبدالرضا، (۱۳۷۹)، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ویژه نامه زبان و ادبیات.
- ۸- چشمه روشن، یوسفی، غلامحسین، (۱۳۷۴)، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی.
- ۹- حبسیه سرایی در ادب فارسی (از آغاز تا دوره زندیه)، ظفری، ولی الله، (۱۳۶۴)، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۰- درآمدی بر زبانشناسی، صفوی، کورش، (۱۳۶۰)، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۱- درباره ادبیات و نقد ادبی، (جلد اول)، فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۲- دیوان اشعار، سعد سلمان، مسعود، (۱۳۶۴)، به کوشش مهدی نوریان، اصفهان: چاپ کمال.
- ۱۳- روانشناسی رنگ در اشعار سهراب سپهری قاسمزاده، سیدعلی، نیکوبخت، ناصر، (۱۳۸۲)، مجله پژوهشهای ادبی، سال اول شماره ۲.
- ۱۴- زندانی نای، شمیسا، سیروس، (۱۳۸۸)، چاپ اول، تهران: نشر علم.
- ۱۵- سبک خراسانی در شعر فارسی محبوب، محمد جعفر، (بی تا)، تهران: انتشارات فردوس، جام.
- ۱۶- سبک شعر رودکی، خسروی، حسین، (۱۳۸۹)، مجله زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا، سال اول - شماره ۱.
- ۱۷- سبک شناسی شعر شمیسا، سیروس، (۱۳۷۹)، چاپ پنجم، تهران: انتشارات فردوس.

- ۱۸- سخن و سخنوران، فروزانفر، بدیع الزمان، (۱۳۶۹)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ۱۹- صورخیال در شعر فارسی شفيعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۲)، چاپ پنجم، تهران: انتشارات آگاه.
- ۲۰- عوامل ایجاد تغییر و تنوع و نقش لحن در شعر عمرانپور، محمدرضا، (۱۳۸۴)، مجله پژوهشهای ادبی، سال سوم، شماره‌های ۹ و ۱۰.
- ۲۱- نقش و تار پرنیان مبارک، وحید، (۱۳۸۴)، چاپ اول، تبریز: مؤلف.